info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۵۲۸
چهارشنبه ۵ / شهریور / ۱۴۰۴
۳ / ربیع الاول / ۱۴۴۷
27 / August / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶، فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

خواندنی

امروز با حافظ

کلید مشکین تو روزی که ز ما یاد کند
بپَرَد اجر دو صد بنده که آزاد کند
قاصد منزل سلمی که سلامت بادش
چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند؟

خُرد چشم جان است چون بنگری
تو بی‌چشم شادان جهان نسپری
فردوسی

اذان گو — اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۶	۰۵:۳۵	۱۲:۰۷	۱۸:۳۹	۱۸:۵۷

برگه

آدم وقتی کسی در انتظار هست به این سادگی نمی‌میرد...

آلبر کامو

مکث

از هپاتیت تا ایدز؛ بازیکنانی که با بیماری خاص به ایران آمدند!

سرژ لوبه به فهرست بازیکنانی که با بیماری خاص به فوتبال ایران آمدند، اضافه شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، سرژ لوبه، یکی از پر سر و صداترین خریدهای تابستانی فوتبال ایران، با مثبت شدن تست هپاتیت در روزهای گذشته، پرسپولیس را در شوک فرو برد. مدافع سابق تاتنهام و ویلارئال که با رژیمهای درخشان و جمع سرخ‌پوشان پیوسته بود، به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد نقل‌وانتقالات این تیم معرفی می‌شد اما حالا آینده حضورش در پرسپولیس در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

این نخستین بار نیست که پرسپولیس و به طور کلی فوتبال ایران با چنین بحرانی مواجه می‌شوند. سابقه حضور بازیکنان خارجی بیمار در لیگ ایران بارها برای تیم‌ها دردسرساز بوده و حتی سرنوشت قهرمانی‌ها را تغییر داده است.

بیمارشاکی!

یکی از شاخص‌ترین نمونه‌ها مربوط به رافائل آدوهو، مهاجم نیجریه‌ای است که در لیگ پنجم با اصرار آری‌هان، سرمربی وقت پرسپولیس، به این تیم ملحق شد. رافائل در مجموع هفت مسابقه در لیگ و جام حذفی برای سرخ‌ها انجام داد و تنها یک گل به ثمر رساند. گلی که در دیداری تاریخی مقابل استقلال اهواز و در تنها مسابقه لیگ برتر که در جزیره کیش برگزار شد، به ثمر رسید.

اما همه چیز خیلی زود برای رافائل و پرسپولیس به پایان رسید. ایتلای این بازیکن به بیماری هپاتیت باعث فسخ قرارداد او شد. همین ماجرا به شکایت مهاجم نیجریه‌ای به فیفا انجامید و در نهایت پرسپولیس در لیگ هفتم با حکم انضباطی فیفا شش امتیاز از دست داد. این کسر امتیاز کار قهرمانی تیم را تا آخرین دقیقه فصل عقب انداخت و سرخ‌ها در حالی جام را بالای سر بردند که قهرمانی‌شان تا دقیقه ۹۶ هفته پایانی در هاله‌ای از ابهام بود. این اتفاق یکی از سنگین‌ترین هزینه‌هایی بود که یک باشگاه ایرانی بابت جذب بازیکن بیمار پرداخت.

از ماماداوتال تا آلوساله: تکرار کابوس در پرسپولیس

ماجرای رافائل پایان کابوس نبود. پرسپولیس در سال‌های بعد نیز قربانی جذب بازیکنان بیمار شد. ماماداوتال، مدافع اهل بورکینافاسو در زمان میربگری حمید استیلی به پرسپولیس پیوست اما به دلیل ایتلا به هپاتیت خیالی زود از جمع سرخ‌پوشان کنار رفت. چند سال بعد هم هروه آلوساله، مهاجم دیگری از بورکینافاسو، با شرایط مشابه وارد پرسپولیس شد و با تشخیص بیماری هپاتیت، قرارداد فسخ شد.

اتفاق جالب این بود که پس از جدایی آلوساله، پرسپولیس به سراغ وحید هاشمیان رفت تا خط حملاتش را تقویت کند. هاشمیان حالا در چالاکی متفاوت دوباره در کنار پرسپولیس قرار گرفته است و هدایت این تیم را برعهده دارد اما تجربه تلخ حضور آلوساله و ماماداوتال همچنان در حافظه تاریخی هواداران پرسپولیس باقی مانده است.

لیگ برتر: تکرار داستان بازیکنان بیمار

پرسپولیس تنها باشگاهی نبود که از جذب بازیکنان بیمار آسیب دید. لیگ ایران در دو دهه اخیر موارد متعددی از این دست را به خود دیده است. کوین کنستانت، هافبک سابق آشمیان، در سال‌هایی که تراکتور با جعفلویی به دنبال درخشش در لیگ قهرمانان آسیا بوده به تبریز آمد اما مشکلات قلبی این بازیکن اجازه نداد حتی یک دقیقه برای تراکتور بازی کند و باشگاه در نهایت متحمل خسارت سنگینی شد.

آلویس نگاک مهاجم کامرونی که سال‌ها در تیم‌های مختلف لیگ ایران بازی کرد در مقطعی که پیرافن سابیا را به تن داشت مشخص شد به هپاتیت مبتلاست و همین موضوع آینده ورزشی‌اش را تحت تاثیر قرار داد.

سوماییا دیاکیته، دروازه‌بان اهل مالی، در لیگ چهارم دهم توسط استقلال خوزستان جذب شد اما بیماری هپاتیت مانع حضور او شد و قرارداد خیلی زود فسخ شد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که پدیده بازیکنان بیمار نه یک اتفاق مقطعی برای پرسپولیس بلکه معضلی گسترده در فوتبال ایران بوده است.

سرنوشت تلخ لوکویه: مرگ در ۲۵ سالگی

شاید غم‌انگیزترین ماجرا مربوط به سامبوتل لوکویه، دروازه‌بان تیم ملی جوانان نیجریه در جام جهانی ۱۹۹۹ باشد. او در ۲۵ سالگی برای بازی در تیم سرخ‌پوشان دلوار افزا وارد ایران شد. تنها چند روز پس از ورود، تست هپاتیت او مثبت اعلام شد و شرایط جسمانی‌اش به سرعت رو به وخامت گذاشت.

لوکویه خیلی زود در یکی از بیمارستان‌های تهران جان خود را از دست داد. حادثه‌ای که فوتبال ایران را در شوک فرو برد. هرچند علت مرگ لوکویه هنوز رسمی بیماری هپاتیت اعلام نشد اما برخی روایت‌ها از ابتلای او به بیماری ایدز حکایت داشتند؛ موضوعی که همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

ماجرای ایتلای سرژ لوبه به هپاتیت با دیگر پرده از یکی از قدیمی‌ترین معضلات فوتبال ایران برداشت؛ معضلی که بارها برای باشگاه‌ها هزینه‌ساز شده و حتی سرنوشت قهرمانی‌ها و زندگی بازیکنان را تغییر داده است.

هواداران پرسپولیس امیدوار بودند ستاره‌ای مثل لوبه، تجربه سال‌ها حضور در لیگ‌های معتبر اروپایی را به زمین آزادی بیاورد و نقطه اتکایی مطمئن برای تیم بحیبی گل محمدی باشد. اما حالا همه چیز به تتایج نهایی معاینات پزشکی و تصمیم مدیران باشگاه گره خورده است.

این پرونده نشان می‌دهد که جذب بازیکنان خارجی بدون بررسی‌های دقیق پزشکی، می‌تواند قرائن از یک اشتباه ساده باشد. اشتباهی که نه‌تنها بار مالی سنگینی به دوش باشگاه‌ها می‌گذارد بلکه می‌تواند سرنوشت ورزشی تیم‌ها را تغییر دهد. حالا همه نگاه‌ها به تصمیم نهایی پرسپولیس درباره سرژ لوبه دوخته شده است؛ ستاره‌ای که قرار بود نماد جاه‌طلبی سرخ‌ها باشد، اما آینده‌اش همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

گزارش روز

نتیجه رزمایش موشکی اخیر؛ هراس از «آخرالزمان» ایرانی

رزمایش اخیر موشکی ایران نتایج پیامدهای خاص خودش را به همراه داشته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از هفت صبح، رزمایش موشکی «اقتدار پایدار ۱۴۰۴» نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده بازتعریف قدرت دریایی کشور پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر با اسرائیل است. در این رزمایش طیف گسترده‌ای از سامانه‌های موشکی شامل موشک‌های کروز دریایی «صمیر» و «قدیر»، موشک ساحل‌پایه و شدکشتی «فاتر» و بپاد آبهدامی «بلور ۵» در شمال قایقوس هند و دریای عمان شلیک شد.

تحلیل دقیق ستاره‌های تمریتی نشان می‌دهد که ایران به دنبال نمایش همافزایی میان یگان‌های شناور سطحی و زیرسطحی، یگان‌های پروازی سایت‌های ساحلی و دریایه و یگان‌های جنگالی است. اهداف هم‌زمان اهداف سطحی توسط ترکیبی از سامانه‌های مختلف نشوید دهنده توانمندی ایران در عملیات‌های یکپارچه و پیچیده دریایی است. این سطح از هماهنگی و دقت عملیاتی، نه تنها قدرت بازدارندگی ایران را تقویت می‌کند بلکه نشان دهنده توانمندی پاسخ سریع در صورت تشدید تنش‌ها با دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

پیام راهبردی رزمایش برای منطقه و فراتر از آن

برگزاری رزمایش در زمانی حساس، درست پس از جنگ مستقیم ۱۲ روزه با اسرائیل و مداخله محدود آمریکا نشان دهنده تمایل ایران به تثبیت جایگاه خود در معادلات امنیتی منطقه است. رسانه‌های بین‌المللی مانند رویترز و نیوزویک به این نکته تأکید کرده‌اند که رزمایش ایران، علاوه بر تقویت توان نظامی، حامل این پیام بازدارنده و راهبردی برای رقبایت که تهران آماده مدیریت هر مرحله جدید از رویارویی است و پاسخ شدید و هماهنگ به هر گونه اقدام خصمانه را تضمین می‌کند. این نمایش قدرت، ضمن تقویت موازنه قوا و موازنه تهدید به افزایش هزینه‌های هر گونه تجاوز احتمالی توسط اسرائیل و همپیمانان غربی آن منجر می‌شود. تحلیل‌گران نظامی معتقدند که رزمایش‌های این چنینی، ابزار مهمی در ایجاد موازنه وحشت و جلوگیری از ماجراجویی‌های پیشدستانه دشمنان محسوب می‌شوند.

ابعاد روانی و رسانه‌ای: «موشک آخرالزمان» بازتاب رسانه‌ای رزمایش، به ویژه در رسانه‌های اسرائیلی، اهمیت روانی و سیاسی آن را آشکار می‌کند. گزارش‌ها از آمادهباش سنتکام و بلاز شدن پلطفالما در اسرائیل حکایت دارند و رسانه‌های عبری، رزمایش ایران را شبیه‌سازی حملهای بزرگ علیه خاک اسرائیل تفسیر کرده‌اند.

موضوع «موشک آخرالزمان» یا «ترسناخیز» که رسانه‌های اسرائیلی به آن پرداخته‌اند نشان دهنده نگرانی جدی از ظرفیت ایران برای ضربه زدن به اهداف راهبردی در منطقه است. این پیام روانی، در کنار هشدار رسمی وزیر دفاع ایران مبنی بر پاسخ محکم به هر ماجراجویی دشمن، بخشی از استراتژی بازدارندگی ایران محسوب می‌شود. استفاده از رسانه و تبلیغ توانمندی‌های موشکی و پهپادی، به ایران امکان می‌دهد علاوه بر تقویت موقعیت نظامی خود، فشار روانی و سیاسی بر دشمنان را نیز افزایش دهد و از این طریق، موازنه وحشت و موازنه قدرت را تثبیت کند.

رزمایش به متابه بازدارندگی راهبردی و پیامبه‌پیامه‌ای

رزمایش «اقتدار پایدار ۱۴۰۴» ابعاد راهبردی و دیپلماتیک نیز دارد. ایران با انجام این رزمایش، به دشمنان و همپیمانان آنها نشان می‌دهد که توان پاسخ سریع و موثر به هر تهدید یا حمله احتمالی را دارد. تمرکز بر موشک‌های برد کوتاه و بلند، پهپادهای انهدامی و سامانه‌های جنگ الکترونیک، نشان دهنده نگاه چندلایه تهران به موازنه رزمایش است. این رزمایش، ضمن اینکه یک هشدار پیشگیرانه است، ابزاری برای افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در عرصه دیپلماسی نیز محسوب می‌شود زیرا توان نظامی قابل اتکا موقعیت مذاکره‌ای را تقویت می‌کند.

از سوی دیگر، واکنش رسانه‌ها و آمادهباش نظامی اسرائیل و غرب، بیانگر تأثیر مستقیم رزمایش بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. این رزمایش، علاوه بر تقویت بازدارندگی نظامی، به عنوان یک عامل روانی و استراتژیک، جایگاه ایران در موازنه قوا و موازنه وحشت منطقه را تثبیت می‌کند و نشان می‌دهد که تهران برای هر گونه مرحله جدید تنش، آماده مقابله و واکنش سریع است.

برش

قورباغه‌ات را صادر کن!

سخت‌ترین لحظه ماجرا زمانی است که باید شجاعت و زهرماریومن خودشان را نشان دهند تا اسناد خارج‌شده شد که از پس پروش این موجودات دویست‌چشم‌قلمبه برمی‌آید.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، سخت‌ترین لحظه ماجرا زمانی است که باید شجاعت و زهرماریومن خودشان را نشان دهند تا اسناد خارج‌شده شد که از پس پروش این موجودات دویست‌چشم‌قلمبه برمی‌آید. امتحانش هم آسان نیست و حتی اگر قرار باشد کارشان را به عنوان کارآمد ما چند کارگر و خدوحشم راه بیندازند باید در مرحله جمع‌آوری قورباغه را از استخر، صحیح و کامل انجام دهند. در این مرحله از ابزارهای مکانیزه هم خبری نیست و باید کارآموزان تا کمر وارد استخری ۵۰ متری شوند که ۶۰ هزار قورباغه ازنج سبزرنگ گوشتی داخل آن در حال شاکردن هستند. اگر از این مرحله برساند بیرون بیایند و لافل یک‌سوم قورباغه‌ها را با نوز بالا بکشند استاد به موقعیت آنها خوشبین می‌شود و گواهینامه پایان دوره را برایشان صادر می‌کند تا با پول و پله و سرمایه دندانگیری که قراهم کردهاند بتوانند قورباغه پرورش دهند. آموزشگاهی که به این کارآموزان توت و تن پرورش قورباغه را آموزش می‌دهد در مرکز شهر قرار گرفته و مشتاقان این حرفه هر روز بیشتر می‌شوند.

به شرط داشتن مشتری و سرمایه

ظاهر و ثنای موسسه با سایر بلاگ‌های اداری خیابان تفاوت چندانی ندارد. اما تصاویر قراولی که از پرورش دام و طیور و آزیان در گوشه و کنار قضای پر دار و درخت آن نصب شده، حیاط موسسه را به نمایشگاهی از این موجودات دویست چشم‌قلمبه تبدیل کرده است. کارگاه آموزش پرورش قورباغه در انتهای سالن اداری قرار گرفته است. تعداد کارآموزان کارگاه به اندازه انگشتان دو دست هم نمی‌رسد. بسیاری از کارآموزان که حاضر بودهاند هزینه ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی ۱۲ ساعت کلاس تئوری و ۸ ساعت کلاس عملی دوره را بپردازند. بعد از جلسه مشاوره از صرافت راه انداختن این کسب و کار افتادهاند. استاد در همان جلسه مشاوره آب پاکی را روی دست کارآموزان می‌ریزد و روشنشان می‌کند که رال‌های گوشتالود این دوزیست سبزرنگ حرام گوشت که پرقوش‌ترین و سودآورترین بخش بدنش است در ایران خریداری ندارد و نمی‌توانند به سود معامله با صاحبان چند رستوران مخصوص چینی‌ها که در گوشه و کنار تهران دایرند، دل خوش کنند! اما اگر بتوانند در چین و بینام، تایلند و اندونزی، با پرتقال، اسپانیا، آلبانی، اسلوونی و ایتالیا مشتری پروابفرستی دست و پا کنند و از پس پرداخت هزینه‌های دلاری صادرات و قراهم کردن لافل ۵۰۰ میلیون تومان سرمایه اولیه برآیند این دوره آموزشی برای آنها سودمند خواهد بود.

انتقال غوک‌ها در حالت لاله

البته استاد که عمری خودش به پرورش آزبان مشغول بوده، راه و چاه صادرات غوک‌های ایرانی را هم قوت آب است و اگر کارآموزان سرمایه‌داری بتوانند قورباغه‌های گوشتالود مرغوبی پرورش دهند و علاوه بر پای دام بیندازد و بخشی از خوراک قورباغه‌ها رایگان تهیه شود. قورباغه‌های مولد نر و ماده زاد و ولد باز کرده داشته‌اند و استخر پر از تخم‌هایی است که تا رسیدن وزنشان به ۳۰۰-۲۰۰ گرم و آماده کشتارشدن هنوز راه دارند. وقتی به این مرحله برسند، باید کارآموزان یکی یکی وارد استخر شوند و غوک‌های پرست ازنج را با توری به شکل دستی جمع‌آوری کنند. قورباغه‌هایی که در ایران پرورش داده می‌شوند، از گونه رانا هستند که هم گوشت زیاد دارند اما در آن‌سوی مرزها خواهان دارد و هم پوست آنها که در چرم‌سازی استفاده می‌شود مرغوب است.

اشاره

چهار روایت از چهار قاره؛ چگونه مهر پیامبر، جهان را تسلیم کرد؟

به متاصبت سالگرد رحلت پیامبر اسلام تگاهی انداختیم به چهره‌های سرشناس جهان که مواجهه‌شان با نبی اکرم آنان را شیفته اسلام کرده و لباس مسلمانی به تشان دوخته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، می‌گویند وقتی دنیا مهربان نداشت خدا او را آفرید و حالا بعد از ۱۴۰۰ سال هرکس که نام او را می‌شنود، زیر لب او را سلام می‌دهد؛ سلامی به اندازه تمام دخترانی که در عالم از گور رهانید. همه کسانی که از امت حضرت محمد صل الله علیه و آله هستند او را به مهربانی می‌شناسند. مهربانی بی‌انتهایی که باعث شد تا به او لقب رحمة‌للعالمین را بدهند. یعنی مرد مهربانی که مهرش به وسعت همه مردم دنیاست و تاریخ او را به عنوان تنها پیامبری می‌شناسد که هرگز حاضر به نفرین امتش نشد.

صفت بارزی که در نهایت طی گذشت قرن‌ها و سال‌ها به این منجر شد تا آدمهای زیادی شیفته محبتش باشند و تسلیم دینش! افرادی که شاید از ابتدا مسلمان‌زاده نبودند. اما مهر پیامبر اسلام جوری در دلشان ریشه کرد که در نهایت مؤمن به دین احمد شدند. به متاسبت سالروز رحلت پیامبر صل الله علیه و آله نگاهی به چهره‌های سرشناس تاریخ ماصر انداختیم که در میانه عمرشان شیفته نبی اکرم شده و به دین اسلام درآمدند و لباس مسلمانی به تن کردند.

کاسیوس کلی: مرا محمد صدا کنید!

نام اصلی او «کاسیوس مارچلوس کلی» بود. مردی که سال ۱۹۴۲ در ایالت کنتاکی آمریکا به دنیا آمد و تاریخ جهان او را به عنوان یکی از مشهورترین بوکسورهای جهان می‌شناسد. کسی که بعدها با مسلمان شدنش نام محمد علی را برای خود انتخاب کرد و گفت: «کلی نامی بود که به نیاکان برده من داده شده بود. من این نام را انتخاب نکردم و آن را نمی‌خواهم. من محمد علی هستم. یک انسان آزاد و از همه مردم می‌خواهم که وقتی با من حرف می‌زنند یا درباره من حرف می‌زنند از این نام استفاده کنند.» مرد قهرمانی که علاوه بر کسب چند دوره قهرمانی به خاطر مواضعش علیه تبعیض نژادی و جنگ ویتنام محبوبیت زیادی در دنیا پیدا کرد. کسی که درباره عشق و ارادتش به پیامبر اسلام این طور می‌گوید: «پیامبر اسلام به من یاد داد که غرور در برابر انسان‌ها ارزش ندارد و عظمت در فروتنی و خدمت به دیگران است... من هیچ وقت خودم را بالاتر از دیگران نمی‌دانم. چون سیره پیامبر من هرگز چنین چیزی نبود.»

فردیناند لوئیس: او سفید و سیاه نداشت با همه مهربان بود

کریم عبدالجبار، یکی از بهترین بسکتبالیست‌های تاریخ لیگ NBA است که نام اصلی‌اش «فردیناند لوئیس آلسیندور جونیور» بود. او در یکی از خانواده‌های کاتولیک رومی در نیویورک به دنیا آمد و بزرگ شد. او که از خانواده‌های سیاه‌پوست و آفریقا تبار بود. متل بسیاری نژادی و جنگ ویتنام محبوبیت زیادی در میان سیاه‌پوستان امریکایی رنج می‌برد و به فول خودش در کلیسا می‌دید که حتی خیلی از کشیش‌های سفید پوست در عمل به عدالت و برابری پایبندی چندانی ندارند.

کریم عبدالجبار کسی است که اواخر سال ۱۹۶۰ با اسلام آشنا و در نهایت سال ۱۹۷۱ رسماً مسلمان شد. او در مصاحبه‌های مختلف خودش درباره علت شیفتگی خودش به اسلام این طور گفته: «وقتی دیدم پیامبر اسلام نه تنها یک رهبر معنوی بود. او بلکه عدالت اجتماعی را هم پیاده می‌کرد. فهمیدم این همان چیزی است که نسل من به آن نیاز دارد... ما در ورزش یاد می‌گیریم که رقابت کنیم اما پیامبر اسلام به من یاد داد باید در زندگی مهربانی و شفقت را هم در کنار قدرت داشت.»

لورین بوث: زندگی پیامبر همان گمشده نسل ماست

یکی از چیزهایی که این روزها بیش از پیش توجه همه مردم دنیا را معطوف به دین اسلام کرده است، مقاومت عجیب و غریب مردم غزه است آدمهایی که با وجود همه سختی‌ها نسل‌کشی و وحشی‌گری‌های رژیم صهیونیستی همچنان پشت عقیده و باور خود ایستادهاند و با زمزمه هر روز آیات قرآن کریم دست به مقاومت زده‌اند. اتفاقی که سالهای قبل برای لورین بوث انگلیسی یک نقطه عطف بود.

او که یک روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر در انگلستان است و خیلی‌ها او را با نسبت خانوادگی‌اش با تونی بلر، نخست وزیر اسبق انگلیس می‌شناختند. لورین بوث خبرنگاری بود که سال‌ها به سبب کارش در فلسطین حضور داشت و در آنجا با مسلمانانی برخورد می‌کرد که با وجود جنگ، محاصره و سختی‌ها همچنان آرامش و امیدشان را از دست نمی‌دهند. همین موضوع باعث شد تا او به دنبال این بیفتد که این چه نیرویی است که تا این حد به مردم غزه صبر و امید می‌دهد و می‌گوید: «وقتی فهمیدم پیامبر اسلام چگونه با زنان، یتیمان و فقرا رفتار می‌کرد، برایم روشن شد که این همان الگویی است که انسان امروز گم کرده است. بزرگترین کشف من این بود که پیامبر اسلام پیامبر رحمت بوده نه خشونت.»

یوسف اسلام: از خلأ روحی تا نسخه پیامبر برای آشتی با زندگی

کت استیونز یک خواننده و آهنگساز مشهور بریتانیایی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی است. کسی که توی دوران اوج خودش در آمریکا و اروپا طرفداران پر و پا قرصی داشت. اگر نگاهی به زندگینامه او بیندازید خواهید دید که در اوج شهرت و ثروت دچار یک خلأ روحی بزرگ می‌شود. می‌گویند او از ابتدای دهه هفتاد به مذاهب شرقی گرایش پیدا کرده بود، اما پس از یک تصادف رانندگی در ۱۹۷۵ تمام مرگ رفت. او بعد از نجات از مرگ در مصاحبه با شبکه «VH1» گفت: «در آن لحظه به درگاه خدا التماس کردم.

ناگهان خودم را پیدا کردم و گفتم: خدایا اگر مرا نجات دهی، در خدمت تو خواهم بود.» او یکی دو سال بعد وقتی برادرش یک جلد قرآن به او هدیه کرد، آغاز تغییر و تحولاتش شروع شد و در نهایت بعد از آشتی با زندگی در سال ۱۹۷۹ رسماً مسلمان شد و نام حقیقی‌اش را به یوسف اسلام تغییر داد. او می‌گوید: «وقتی شروع به خواندن کردم احساس کردم این کتاب مستقیم با من حرف می‌زند... وقتی زندگی پیامبر اسلام را مطالعه کردم، فهمیدم که او نه به دنبال تاج و تخت بود نه به دنبال ثروت. بلکه تنها می‌خواست مردم را سوی خدای یکتا هدایت کند. این صداقت و خلوص مرا به شدت تکان داد... پیامبر اسلام نمونه یک انسان کامل است. او خانواده‌اش را دوست داشت، با یتیمان مهربان بود، در میدان جنگ شجاع و در زندگی روزمره متواضع بود. من به عنوان یک انسان، چنین الگویی را می‌خواستم... وقتی قرآن را خواندم و درباره پیامبر اسلام شنیدم، احساس کردم پاسخ تمام سوال‌هایی را که سال‌ها داشتم، پیدا کردم. پیامبر اسلام، راه را روشن کرد.»

دیدگاه

نوزاد چگونه می‌فهمد به چه کسی اعتماد کند؟ یک تحقیق شگفت‌انگیز!

وقتی نوزاد برای اولین بار چشم به جهان می‌گشاید، بعد از اینکه حیرتی را با گریه سر داد و بدین شیوه به زندگی و هستی سلام کرد، در میان این همه اشکال و اصوات اولین و شاید حیاتی‌ترین سوالی که ناخودآگاه در اعماق وجودش شکل می‌گیرد، احتمالاً این باشد: "به چه کسی می‌توانم اعتماد کنم؟"

به گزارش پیام آشنا به نقل از عصر ایران، تصور کنید نوزادی هستید که برای اولین بار چشم به جهان گشوده‌اید. دنیایی ناشناخته که هر صدا، هر نور، هر لمس و هر چهره‌ای برای شما تازگی مطلق دارد. در این قیافوس بی‌کران اطلاعات، مغز کوچک و نوپای شما باید ماپلیارد ماتوبرین که گویی هر یک ستاره‌ای در کهکشان راشیری است به سرعت می‌کوشد تا مفهوم جهان اطراف خود را درک کند.

نوزاد چگونه می‌فهمد به چه کسی اعتماد کند؟

این پرسش بتبادین، نه فقط در بزنگاه‌های بزرگ زندگی، که از همان نخستین دم حضورمان در این سیاره، ذهن و حواس ما را به خود مشغول می‌کند. دنیای نوزادان، مکانی شگفت‌انگیز و پر از تازگی است. جایی که هر چیزی درپچه‌ای جدید به سوی ادراک می‌گشاید. والدین، بی‌شک نخستین پتد و نقطه اتکای آن‌هاست. اما این تنها آغاز ماجراست. علم‌سال‌هاست که شیفته رمز گشایی از این پدیده اعجاب‌انگیز است؛ چگونه نوزاد حتی پیش از آنکه قادر به بیان کلمات باشند، قضاوت می‌کند که چه کسی قابل اعتماد است؟ چرا برخی نوزادان، با لبخندی گشاده به سوی هر غریبه‌ای دست دراز می‌کنند و برخی دیگر، با دیدن چهره‌ای ناآشنا به گریه می‌افتند؟

چه عاملی باعث می‌شود که در لحظه‌ای خاص، کودک کوچک خود را به کسی بسپارد؟

تحقیقات اخیر، با داده‌هایی شگفت‌انگیز و گاه غیرمنتظره، پرده از این راز برداشته است و در لحظه خواهیم دید که پاسخ علمی به این پرسش‌ها چقدر می‌تواند درک ما را از خودمان و روابطمان عمیق‌تر کند.

نوزاد و شگفتی‌های مغز کوچکش

کودکان خیلی زود به رمز گشاهای متبحر سیگنال‌های طبیعی تبدیل می‌شوند. آنها این کار را خیلی زودتر از آنچه فکر می‌کنیم انجام می‌دهند. در واقع، قبل از صحبت کردن، آنها چیزهای بیشتری را نسبت به آنچه می‌توانند بیان کنند، می‌فهمند. یکی از اولین نیازهای آنها این است که بدانند در امان هستند و افراد اطرافشان قابل اعتماد و غیر تهدیدآمیزند. چنین استدلالی برای یک نوزاد هشت یا دهماهه بسیار پیچیده به نظر می‌رسد. با این حال، اولین مکانیسم‌های شناختی که کودک انجام می‌دهد به همین منظور است.

علم سال‌ها تلاش کرده است تا بفهمد نوزادان چگونه می‌دانند به چه کسی می‌توانند اعتماد کنند. اکنون، به لطف تحقیقات اخیر، این راز حل شده است. موسسه فناوری ماساچوست (ایالات متحده آمریکا) مطالعه‌ای انجام داد که ادعا می‌کرد نوزادان از طریق یک عنصر خاص، کیفیت روابط بین افراد را بسیار زود می‌فهمند. نوزادان به تمامی کیفیت‌های مذکور که نوزاد نیاز دارند، بوسه‌ها کشش های آرامش‌بخشی هستند که از همان ابتدا سیگنال هایی برای نوزاد مخابره می‌کنند. نوزاد به یه آنها عادت می‌کند. این بوسه به سبب برقاتی که به همراه دارند، امکان درک این امر را به نوزاد می‌دهد که می‌دانند آیا اعتماد بکنند یا خیر.

۱. تبادل برق‌آسا: این بستنی را با من تقسیم می‌کنی؟

تبادل برق تعیین کننده‌ترین سیگنالی است که کودک از آن برای دانستن اینکه آیا یک چهره قابل اعتماد است یا خیر، استفاده می‌کند. آنها همچنین از آن برای تشخیص اینکه آیا دو نفر رابطه نزدیکی دارند یا خیر، استفاده می‌کنند. این اصلاً تعجب‌آور نیست. از این گذشته، هیچ یک از مابرقی خود را به راحتی با دیگران به اشتراک نمی‌گذاریم. نوزادان به همه موقعیت‌های مربوط به غذا توجه می‌کنند. به عنوان مثال، آنها اقلب می‌خواهند آنچه را که در بشقاب پدر و به ویژه مادرشان هست را امتحان کنند. علاوه بر این، اقلب برای ما والدین هم سرگرم‌کننده است که بستنی هایمان یا هر آنچه می‌خوریم یک بخش خیلی کوچکش را در دهان نوزادمان بگذاریم شاید بلوش سخت باشد و لی علم می‌گوید که همین چیزهای کوچک غذایی پیوندهای اعتماد را بین والدین و کودکان ایجاد می‌کنند! هر چیزی که کودک در دهانش می‌گذارد برای او بسیار تحریک‌کننده است و وقتی غذا را با والدینش به اشتراک می‌گذارد، پیوندهای اعتماد ایجاد می‌کند.

۲. بوسه‌هایی که عشق (و برق) را منتقل می‌کنند

وقتی رابط نزدیک، محبت‌آمیز و محکمی برقرار می‌کنیم کشیدن هایی، کارهایی از ما سر می‌زند که به نوعی رد و بدل کردن برق است: ملتند بوسیدن یا در آغوش گرفتن. این روش دیگری است که نوزادان می‌دانند به چه کسی اعتماد کنند. افراد در زندگی روزمره آنها نه تنها آنها را در آغوش می‌گیرند یا نوازش می‌کنند، بلکه به آنها بوسه نیز می‌دهند! اینها حرکات رضایت‌بخشی هستند که از آنها لذت می‌برند و خیلی زود آنها را درک می‌کنند. علاوه بر این، بین هشت تا دوازده ماهگی، نوزادان به تعاملات اطراف خود علاقه‌مندتر می‌شوند. آنها می‌فهمند که بین والدینشان محبت وجود دارد زیرا بوسه‌ها را به اشتراک می‌گذارند و برق رد و بدل می‌کنند.

چرا کودکان دوست ندارند غریبه‌ها آنها را ببوسند؟

در واقع، بوسه‌ها تهاجمی هستند. بنابراین، اگرچه نوزادان آنها را به عنوان عواملی که واسطه ایجاد روابط قابل اعتماد هستند، درک می‌کنند، اما برای اینکه اعتماد ظاهر شود، ابتدا باید اتفاق دیگری رخ دهد. این اشتراک غذا است. در واقع، اگر می‌خواهیم محبت کودکی را جلب کنیم، باید غذای خود را با او به اشتراک بگذاریم. سپس، بوسه‌ها از راه می‌رسند. کودکان خردسال به زبان غیرکلامی بزرگسالان توجه زیادی دارند. آنها می‌دانند که بوسه فقط بین افرادی اتفاق می‌افتد که پیوند نزدیکی با هم دارند.

۳. بوسه‌ها ترس‌ها و اضطراب‌ها را تسکین می‌دهند

نحوه یادگیری اعتماد به چه کسی نیز بخشی از یک تجربه دیگر است. کودکان اقلب، اضطراب را تجربه می‌کنند! از کمبود آسایش، تنهایی، عدم تغذیه یا محافظت، بوچی تاریکی در شب یا نداشتن تماس فیزیکی می‌ترسند.

بوسه مادر و پدر برای نوزاد بسیار تسکین دهنده است

این بوسه‌ها ترس‌ها و احساسات غیر مولد آنها را تسکین می‌دهد. آنها به آنها آرامش می‌دهند و باعث می‌شوند احساس امنیت کنند. وقتی احساس وحشت می‌کنند، یک بوسه ساده استرس آنها را کاهش می‌دهد. همچنین، مانند نوازش یا برق است. موزهای زیادی از قدوفین آزاد می‌کند که پیوندها را تقویت می‌کند. این چیزی است که کودکان در عرض چند هفته از زندگی خود کشف می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نوزادان موجوداتی آسیب‌پذیر اما فوق‌العاده قدرتمند هستند. آنها با عشق و محبت تغذیه می‌شوند. در واقع، با استفاده از این موقعیت است که آنها با اطمینان جهان را کشف می‌کنند و کنجکاوی بی‌حد و حصر خود را ارضا می‌کنند. آنها ماشین‌های یادگیری کوچک خوانده‌اند. حرکات اجتماعی و سیگنال‌های ظریفی هستند که دکش شاید برای ما سخت باشد. مغز آنها شبکه‌های عصبی بسیار پیچیده‌ای است که ماتأمر حل تغییر هستند. آنها از طریق تعاملات بسیار اساسی، غریزی و فیزیکی با دنیای عمل می‌کنند. تماس فیزیکی و احساس امنیت و ایمنی همه چیز است. شاید تعجب کنید که برق عنصری است که اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد. با این حال، وقتی به موقعیت‌هایی که معمولاً در آنها رد و بدل می‌شود فکر می‌کنید، اصلاً نباید تعجب کنید. به هر حال، غذا و بوسه داریست روابط انسانی هستند. نوزادان از این واقعیت آگاه هستند. بنابراین بیایید مطمئن شویم که این تجربیات ارزشمند را برای آنها فراهم می‌کنیم.